بی اعتمادی موجه

اعتماد یکی از مقوله های اساسی در زندگی بشری طی ادوار مختلف تاریخی تاکنون بوده است. اعتماد موجب زندگی جمعی و وتعامل جوامع بوده است. اما اعتماد دو طرف دارد. که عموما حول یک محور شکل می گیرد. اعتماد کالایی گرانبها است که دو طرف معامله آن را می سازند. عقل و منطق حکم می کند اگر در معامله های گوناگون یک طرف قرارداد دائما بی اعتمادی ایجاد می کند در معاملات بعدی به او اعتماد نداشت. حالا این منطق در مناسبات جهانی در مورد آمریکا و انگلیس و فرانسه و واکسن کرونای آنها قابل بررسی است.

آمریکا و انگلیس امروز به عنوان نمادهای سلطه گری در دنیا شناخته می شوند که هدف آنها تسلط بر منابع کشورهاست. از حضور نظامی آنها در مناطق مختلف گرفته تا تحرکات نرم افزاری آنها درعرصه های گوناگون فرهنگی، حقوقی و سیاسی و اقتصادی. همین کشورها در چند دهه گذشته اقدام به انواع و اقسام تحریم های اقتصادی علیه بسیاری از کشورها از جمله کشور خودمان نموده اند و ایران را از حقوق اولیه ای مانند داور و واکسن برای بیماران نیازمند محروم نموده اند. حال سوال اینجاست که با چه منطقی می توان به این قدرت سلطه گر که امکانات اولیه را برای ضربه زدن به کشور از ملت دریغ کرده انتظار داشت که واکسنی را در اختیار گذارد که بیماری همه گیری چون کرونا را از سر مردم ایران بردارد؟ اگر آمریکا و انگلیس اینقدر به فکر مردم جهان هستند چطور این واکسن را به طور عمده در اختیار مردم کشور خود قرار نمی دهند تا آمارهای بالای ابتلا و مرگ و میر ناشی از کرونا در کشورشان پایین بیاید؟ چرا برخی کسانی که این واکسن ها به آنها تزریق شده بعد از چند روز فوت نموده اند؟ چرا خبری از آنهایی که این واکسن را دریافت نموده اند نیست؟ چرا روسای کشورهایی که به ظاهر و مقابل دوربین ها واکسن می زنند باید چنین واکسن هایی به آنها تزریق شود؟ آیا حتما واکسن به آنها تزریق می شود یا ماده ایی دیگر؟

امروز نمی تواند جنگ ها جنگ نظامی و سخت باشد جنگ امروز بیولوژیک است. برخی متخصصان ژنتیک معتقدند این واکسن RNA بنیان است یعنی با ژنوم های انسانی سروکار دارد و در صورت صحت و شیطنت می تواند نسل های بعدی را دچار جهش های ژنتیکی کند. اگر تنها یک درصد نیز این موضوع صحیح باشد آیا حاکم یک کشور باید اجازه دهد چنین خطری ملتش را تهدید کند؟

این نمونه را می توان با شوک درمانی که در عرصه اقتصادی توسط آمریکایی ها در دو سه دهه پیش در آمریکای لاتین انجام شد و آن ملل را به خاک سیاه نشاند نیز مقایسه کرد. آن نسخه ای اقتصادی بود که افرادی مانند فریدمن تنها برای کشورهای جهان سوم به کار بردند و هیچگاه در ملل خود آن را استفاده نکردند

تاریخ وقایع مختلفی را از اعتمادهای سطحی در خود دارد که بستر تضعیف یک طرف را به وجود آورده است. در مسائل نظامی و سیاسی مانند واقعه حکمیت و قرآن بر سرنیزه کردن در صدر اسلام تا اعتماد به شرکت های انگلیسی در دوره قاجاریه و چپاول ایران و هند و ... .

امروز نیز بیماری کرونا زمینه یکی از حساس ترین موارد اعتماد یا عدم اعتماد به وجود آمده است. با این شرایط شما به انتخاب واکسن کرونای آمریکایی و انگلیسی اقدام می کنید یا گزینه دیگری را پیشنهاد می کنید؟